

پس از توفان شدیدی که در چندروز اخیر شرق و شمال شرق آمریکا را درنوردیده، هنوز نیم‌میلیون نفر از ساکنان این منطقه در خاموشی به سر می‌برند. به گزارش ایسپار، سانه‌های داخلی آمریکا اعلام کرده‌اند که همچنین ساکنان منطقه ساحلی (نیواپنگلند) دوز پس از این توفان ویرانگر، گرفتار سیلاب بوده‌اند. توفان شدید در این نواحی موجب شکستگی و قطع درختان، سقوط تیرهای برق و همچنین مرگ دست‌کم ۹ نفر شده است.



نیم میلیون آمریکایی توفان زده در خاموشی به‌سر می‌برند

### از میان خبرها

مدیر کل پزشکی قانونی کهنگیلو به ویرا احمد :

### علت فوت جان باختگان هواپیما سرمازدگی نبود

مدیر کل پزشکی قانونی کهنگیلو به ویرا احمد گفت : با توجه به معاینات پزشکی قانونی روی اجساد یافت شده سانه هوایی هیچ موردی مشاهده نشده که فوت ناشی از سرمازدگی مطرح باشد. طی روز های اول کشف محل سقوط هواپیمای آسمان برخی رسانه ها و کاربران فضای مجازی مدعی بودن تعدادی از مسافران هواپیما بعد از سقوط شده بودند. کامروز امینی در گفت و گو با ایسنا درباره علت فوت جان باختگان پرواز تهران- یاسوج افزود: علت فوت تمام جان باختگان پرواز تهران- یاسوج ناشی از صدمات و شدت جراحات وارده سانه هوایی گزارش شده است. تاکنون ۶ محموله به پزشکی قانونی استان انتقال داده شده که کار ک گذاری و نمونه گیری این محموله ها انجام گرفته است.

وی ادامه داد: ۹۵ یافت انسانی مجزای جان باختگان پرواز تهران- یاسوج تاکنون تحویل پزشکی قانونی استان شده است.



■ اطلاعات جعبه‌سیاه با کمک فرانسه استخراج می‌شود
همچنین در حالی که پیشتر برخی مسئولان سازمان هواپیمایی از احتمال ارسال جعبه سیاه به فرانسه برای بازخوانی خبر داده بودند، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری تأکید کرد : هر چند که اطلاعات جعبه سیاه در داخل قابل خواندن است، اما کمک فرانسی هابستگی به عمق اطلاعاتی دارد که ما به آن نیاز داریم تا علت بروز این سانه هوایی مشخص شود.

«علی‌عابدزاده» در گفت و گو با ایرا ن افزود: در مدتی که کارشناسان فرانسوی در ایران بودند با ارائه کمک های فنی، کارشناسان ایرانی را راهنمایی کردند که چگونه فرایند استخراج اطلاعات جعبه سیاه هواپیمای ای تی آر را دنبال کنند.

سیدخلیل سجادپور - جوانی که متهم به آتش کشیدن پدر و مادر همسر دوشم در پی یک «دوئل خانوادگی» است، صبح روز گذشته در حالی به ضد و نقیض گویی درباره این جنایت هولناک پرداخت که این بار حتی وجود تنها شاهد پرونده را نیز انکار کرد.

به گزارش اختصاصی خراسان، ساعتی از نیمه شب بیست و پنجم‌دی‌سال ۹۵ گذشته بود که فریادهای دختر نوجوان، اهالی خیابان بهمن در منطقه خواجه ربیع را از منازل شان بیرون کشید. دود غلیظی از منزل ویلایی در کوچه دو متری بیرون می زد و شعله های سرکش آتش نمایان بود. ساکنان این محل، که خواب‌آلود شاهد صحنه وحشتناک آتش سوزی بودند با نیروهای امدادی و پلیس تماس گرفتند اما ماجرای این آتش سوزی زمانی هولناک تر شد که دختر نوجوان فریادمی زد پدر بزرگ و مادربزرگش، میان شعله های سوزان گرفتار شده‌اند.

دقایقی بعد خودروهایی آتش نشانی آژیر کشان در محل آتش سوزی توقف کردند. آتش نشانان بلافاصله شیلنگ های پرفشار آب را به سوی منزل پلاک ۹ نشانه

رفتند و دل به شعله های آتش زدند قطرات فواره ای آب هر لحظه زبانه های سوزناک آتش را به پایین می کشید و امدادگران راه نفوذ به اتاق های منزل ویلایی را می گشودند و طولی نکشید که با خاموش شدن آتش، جسد سوخته زن میان سالی در پذیرایی منزل نمایان شد. آتش نشانان بلافاصله در میان دوده‌های غلیظ به جست و جو پرداختند و با پیکر سوخته دیگری روبه رو شدند اما این مرد هنوز نفس می کشید که توسط امدادگران اورژانس به مرکز درمانی منتقل و در بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) بستری شد. گزارش خراسان حاکی است عقر به های ساعت حدود ۲ باامداد رانشان می داد که نیروهای انتظامی ماجرای سوختن یک زوج میان سال را به قاضی ویژه قتل عمد اعلام کردند. دقایقی بعد با حضور قاضی علی اکبر احمدی نژاد در محل وقوع حادثه تحقیقات درباره چگونگی این آتش سوزی مرگبار در حالی آغاز شد که کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی نیز با مقام قضایی

همراه شده بودند. اگرچه دختر ۱۲ ساله هنوز در شوک بود اما گریه کنان، روزنه ای از تاریکخانه این حادثه مرگبار را نمایان کرد. او به قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد گفت: خواب بودم که با صدایی بیدار شدم در همان تاریکی شوهر عمه ام ارایدم که ظرف پلاستیکی (بانکه) در دست داشت و به آرامی وارد حیاط شد چون از اختلافات عمه ام با شوهرش خبر داشتم از او ترسیدم و جیب کشیدم. سپس از خانه فرار کردم اما وقتی از کوچه بعدی دور زدم خانه پدر بزرگم آتش گرفته بود با فریاد و گریه کنان از همسایگان کمک خواستم و ...

بنابراین گزارش کارآگاهان با دستور مقام قضایی جست و جو در محل آتش سوزی را در حالی ادامه دادند که گوشی تلفن همراه و دسته کلید متعلق به محمد-خ (داماد زوج میان سال) در محل کشف شد. تحقیقات شبانه کارآگاهان بیانگر آن بود که محمد-خ با همسرش اختلاف خانوادگی دارد و از چندوقت قبل، همسر و دختر بچه خردسالش را رها و باحالت قهر منزل شوهرش را ترک



کرده است. عملیات کارآگاهان در حالی برای شناسایی مخفی گاه متهم به سپیده دم کشید که مقام قضایی نیز با صدور دستورات ویژه قضایی در کنار کارآگاهان به راهنمایی و تحقیق میدانی ادامه می‌داد. حدود ساعت ۶ صبح بود که بالاخره رصدهای اطلاعاتی و فعالیت های پلیسی با شناسایی مخفی گاه متهم در خیابان طبرسی به نتیجه رسید و داماد ۳۵ ساله در منزل اجاره ای اش به دام افتاد. او که اهل خرم آباد است در همان بازجویی های اولیه در حضور بازپرس احمدی نژاد به اختلافات خانوادگی با همسرش اعتراف کرد و گفت: وقتی همسرم با قهر زندگی اش را رها کرد و به مشهد آمد حدس زدم که به خانه پدرش رفته باشد.

به همین خاطر و در حالی که به شدت عصبانی بودم با یک طرف بنزین به خانه پدرزن رفته تا آن ها را بترسانم ولی نمی‌دانم در حین درگیری مادرزنم کبریت کشید یا شعله بخاری آتش سوزی را رقم زد. او گفت در حالی که دختر پدردزنم از خانه فرار کرده بود من هم با دست

### «داماد آتش افروز» صحنه سوختن پدر و مادر همسر دوشم را بازسازی کرد

# رقص شعله های مرگ در دوئل خانوادگی

و پایی سوخته از آن جا گریختم و ... گزارش خراسان حاکی است ۳ روز بعد از این ماجرا پدرزن داماد آتش افروز نیز به دلیل شدت سوختگی در بیمارستان جان سپرد و بدین ترتیب پرونده دو جنایت هولناک روی میز بازپرس ویژه قتل عمد گشوده شد و تحقیقات دربارہ زوایای پنهان این حادثه مرگبار ادامه یافت تا این که ساعت ۸ صبح روز گذشته، داماد آتش افروز در حالی که حلقه های آهنین قانون بر دستانش گره خورده بود به محل وقوع جنایت هدایت شد تا در حضور بازپرس احمدی نژاد جزئیات این حادثه هولناک را در بازسازی صحنه سوختن زوج ۵۱ و ۵۷ ساله تشریح کند.

متهم ۳۵ ساله این پرونده جنایی و قتل مقابل دوربین قوه قضاییه قرار گرفت با معرفی کامل خود گفت: هنوز شب به نیمه نرسیده بود که ظرف بنزین را از داخل ماشینم برداشتم و به منزل پدرزنم رفتم حدس می‌زدم همسرم بعد از ترک منزل به خانه پدرش رفته باشد. قصد کشتن آن ها را نداشتم و تنها می‌خواستم با تهدید به آتش زدن، آن ها را بترسانم البته پدرزنم آلزایمر (بیماری فراموشی) داشت و من بیشتر می‌خواستم مادرزنم را تهدید کنم. آن شب باتیغ موکت بری به آرامی در حیاط را باز کردم وقتی با مادرزنم روبه‌رو شدم و او گفتم همسرم کجاست ولی او می‌گفت این جانیست در حالی که به شدت مشاجرہ می‌کردیم من روی خودم بنزین ریختم تا او را بترسانم در این هنگام مادرزنم بنزین ها را روی زمین ریخت و با کبریت خانه را آتش زد و ... بنابراین گزارش اظهارات متهم در حالی ضد و نقیض بود که در پاسخ به برخی سوالات تخصصی بازپرس ویژه قتل عمد جاد مانده و اظهاراتش با اعتراضات او در مراحل اولیه بازجویی تفاوت داشت. گزارش خراسان حاکی است در ابتدای بازسازی صحنه جنایت که کارآگاه مهدی سلطانیان (رئیس دایره قتل پلیس آگاهی خراسان رضوی) نیز حضور داشت، سرگرد تنجفی (افسر پرونده) به تشریح خلاصه ای از روند دستگیری و اعتراضات متهم پرداخت و در پایان نیز داماد آتش افروز با دستور قاضی احمدی نژاد روانه زندان شد تا این پرونده جنایی دیگر مراحل قانونی خود را طی کند.

## افزایش ۷۵ درصدی تصادفات خودروهای حامل اتباع غیرمجاز در جاده‌های کرمان

است. وی تصریح کرد: در مسیرهایی که دوربین پایش تصویری نصب است، رشد تصادفات آن منفی است، به‌طوری‌که آمار فوتی‌های این‌محورها ۶۷ درصد کاهش‌نشان می‌دهد.

این مسیر مربوط به افغانی‌کش‌ها بوده‌است.

وی با بیان این‌که تعداد تصادفات مربوط به افغانی‌کش‌ها بیش از ۷۵ درصد افزایش‌یافته‌است اظهار کرد: ۹۰ درصد آن مربوط به جاده کرمان - بم

**رویش سفید ترین رستورانی ۷۵۰۰ تومان**  
**انواع رویش بیمارستان ها، هتل ها**  
 ۰۹۱۵۳۱۰۷۴۶۰ فقط چهار میلیارد و هشتصد میلیون تومان  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸

**مقابل چمران ۹ تولیدی رویشی دانسجو ۲۲۲۵۷۹۰۷**  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸

**بچه گانه - مرندانه - زنانه از ۱۵ تومان**  
**کفش تهران**  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸

**شله ممتاز کباب امید**  
 ۰۳۸۷۰۹۰۹۰  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸

**جایزه ویژه کفش کفشدوزک**  
**یک دستگاه خودرو تیبیا**  
 ۰۵۱-۳۸۴-۸۷۵۷  
 ۰۵۱-۳۷۵۲۳۸۵۲  
 ۰۵۱-۳۳۳۲۳۲۶۰  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸

**نمایندگی رامک خودرو (سانگ یانگ)**  
**سیدحسین نجفی - کد ۳۳۰۴**  
**فروش نقدی و اقساط**  
**کوران‌دو**  
**رکستون**  
**تیولوی**  
 دفتر فروش: خیابان سازان‌دارها، نبش کوشش ۲۴ / ۳۳۴۱۵۷۱۲۲ - ۳۳۴۱۵۰۴۷  
 خدمات پس از فروش: شهرک ایودر، جنب پادگان قدس ۲ - ۳۳۸۱۰۰۰۱۰

**گروه‌های بزرگ کار و شایسته**  
**شرایط ویژه ثبت نام فقط امروز**  
**۲۵٪ تخفیف**  
**اولین حضور دکتر ایرج حسابی در یک رویداد آموزشی در مشهد**  
 زمان: چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ - ساعت ۱۵ تا ۲۲  
 مکان: مشهد - خیابان آبکوه، بین آبکوه ۲ و ۳  
 تالار همایش های نور  
 مراجع ثبت نام: WWW.EVAND.COM  
 ۰۹۳۶۲۲۷۶۳۶۳  
 دکتر ایرج حسابی  
 دکتر علی مختاری  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸

### حوادث |

### ۱۳

#### در امتداد تاریکی



## آخرین فرار

وقتی ماموران انتظامی مرا در آن خانه به همراه چند نفر دیگر دستگیر کردند تازه فهمیدم برخی از افرادی که به آن خانه رفت و آمد داشتند دزد بودند و اموال سرقتی را در آن جاپنهان می کردند. در حالی که مقدار کمی مواد مخدر و اموال مسروقه از آن منزل توسط پلیس کشف شد من هیچ نقشی در این زمینه نداشتم و تنها به خاطر آشنایی با پسری جوان به آن جارفته بودم و ... دختر جوان در حالی که بیان می کرد اعتیاد و رفتارهای خشن پدرم مرا از خانه و زندگی ام گریزان کرد درحاشیه جلسه بازپرسی به تشریح ماجرای فرارش پرداخت و گفت: هفت ساله بودم که فهمیدم پدرم تبعه خارجی است.

چرا که هنگام ثبت نام در مدرسه با مشکلاتی روبه رو شدم اما مادرم در حالی این موضوع را از من پنهان می کرد که من درباره طلاق مادرم از همسر قبلی اش دچار تردید شده بودم و نمی دانستم آیا همسر اول او پدر واقعی من است یا مردی را که هم اکنون پدر می خوانم. این سوالات در حالی بی پاسخ می ماند که مادرم نیز در مزارع کشاورزی کار می کرد.

پدرم مردی معتاد و بداخلاق بود به طوری که با هر اشتباه کوچک مرا به باد تکت می گرفت. در این میان من به دختر دایی ام که بزرگ تر از من بود علاقه عجیبی پیدا کردم چرا که از تنهایی رنج می بردم و او به من محبت می کرد. سال ها به همین ترتیب سپری شد تا این که روزی دختر دایی ام چگونگی کشیدن سیگار را به من آموخت. او از سیگارهای پدرش می زد دید و پنهانی می کشید. اما من وقتی به خانه بازگشتم پدرم متوجه شد و آن قدر تنگم زد که از نفس افتادم. آن جا بود که برای اولین بار از خانه فرار کردم و به خانه یکی از بستگمانم در شهرستان رفته ولی آن ها مرا به خانه پدرم بازگرداندند و باز هم تنگ خوردم. پدرم مرا در اتاق زندانی کرده بود که چشم هایم به قرص های مخدر دار پدرم افتاد در یک تصمیم احمقانه چند تا از آن ها را خوردم و خوابیدم.

وقتی چشمانم را باز کردم روی تخت بیمارستان بودم اگرچه دوروز بعد از بیمارستان مرخص شدم اما رفتارهای پدرم نه تنها هیچ تغییری نکرد بلکه سرزنش ها و انگ بی بند و باری هم به آن اضافه شد. در همین زمان نامه ای از پسرعمویم که در ترکیه کار می کرد رسید که نوشته بود به زودی به ایران می آید.

حدودیک ماه بعد او از ترکیه به مشهد آمد و در خانه ما اقامت کرد. ابتدا توجهی به او نداشتم اما آرام آرام احساس کردم به «اسماعیل» علاقه مند شدم. او جوان با محبتی بود و در چشمانش دوست داشتن را می دیدم. پسرعمویم وقتی فهمید من هم او را دوست دارم یک شب مرا از پدرم خواستگاری کرد اما با کمال تعجب پاسخ منفی شنید.

پدرم می گفت این دختر لیاقت تو را ندارد اصرارهای اسماعیل هم بی فایده بود به همین دلیل با حالت قهر منزل ما را ترک کرد. من هم که دیگر نمی توانستم رفتارهای پدرم را تحمل کنم دوباره از خانه فرار کردم ولی این بار حیران و سرگردان به دنبال سرنهائی می گشتم تا شب را در آن جاسپری کنم.

این بود که کنار یکی از مراکز خرید با جوانی به نام «سعید» آشنا شدم و او مرا به جایی برد که چند نفر دیگر در آن جا مشغول مصرف مواد مخدر بودند.

هنوز چند ساعت از حضورم در آن جا نگذشته بود که ماموران انتظامی رسیدند و ...

ماجرای واقعی براساس یک پرونده قضایی

**انتهای نهال**  
**انتهای نهال با ۳ گواهینامه**  
**۳۸۵۴۳۰۶۰**  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸

**گروه‌های بزرگ کار و شایسته**  
**شرایط ویژه ثبت نام فقط امروز**  
**۲۵٪ تخفیف**  
**اولین حضور دکتر ایرج حسابی در یک رویداد آموزشی در مشهد**  
 زمان: چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ - ساعت ۱۵ تا ۲۲  
 مکان: مشهد - خیابان آبکوه، بین آبکوه ۲ و ۳  
 تالار همایش های نور  
 مراجع ثبت نام: WWW.EVAND.COM  
 ۰۹۳۶۲۲۷۶۳۶۳  
 دکتر ایرج حسابی  
 دکتر علی مختاری  
 ۰۹۶۲۳۳۵۸